

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

بررسی عوامل موثر بر خلاقیت دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر تهران از دیدگاه معلمان

نویسنده:

زهره خیرآوران^۱

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی عوامل مؤثر بر خلاقیت در بین دانش آموزان مقطع ابتدایی از دیدگاه معلمان انجام شد. روش مورد استفاده این پژوهش پس رویدادی و تکنیک مورد استفاده، پیمایش بود و جامعه آماری شامل ۲۵۰ نفر از آموزگاران شاغل در دو منطقه آموزش و پرورش شهر تهران در سال تحصیلی ۹۲-۹۳ است. ابزارهای اندازه گیری پرسشنامه محقق ساخته می باشد. یافته های حاصل از آزمون فرضیه ها بیانگر آن بود که هر نُه عامل آموزش خلاقیت و محتوا، فرهنگ و روابط اجتماعی، معلم، محیط آموزشی، پشتکار دانش آموز، حاکمیت روابط انسانی، علاقمندی دانش آموز، خانواده و روش های تدریس در سطح ۰/۰۱ معنادار است. به طوری که می توان گفت این نُه عامل از نظر معلمان از مهمترین عوامل مؤثر بر شیوه های پرورش خلاقیت در بین دانش آموزان مقطع ابتدایی بوده است.

کلید واژه ها: خلاقیت، دانش آموزان مقطع ابتدایی، معلمان.

مقدمه

دنیایی که ما در آن زندگی می کنیم به سرعت در حال تغییر است و در این زمان، تفکر خلاق، کلیدی است که امکان مواجهه با مشکلات، تطبیق و در نهایت موفقیت را برای ما فراهم می سازد. در حل خلاق مسئله، انسان تمام توانایی مغزی خود را به کار می گیرد (لامزدین و لامزدین^۲، ۱۳۸۶). از آنجا که یکی از ویژگی های منحصر به فرد انسان درمیان تمامی موجودات زمین برخورداری از نیروی تفکر و مسئولیت ناشی از آن است، بررسی جنبه های مختلف فکر، شیوه های فعال و خلاق کردن تفکر، تقویت قدرت نقد و درک دقیق و واقع بینانه از موضوعات مهمی است که انسان ها برای کشف حقیقت و پیروی از آن باید بیاموزند و به کار گیرند (شریعتمداری، ۱۳۸۲). از خلاقیت تعاریف مختلفی ارائه

^۱. کارشناس ارشد مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه رودهن، z.kheiravaran@gmail.com

^۲. Lamezdin & Lamezdin

شده است. رایج ترین تعریف عبارت است از «ایجاد طرحی جدید، با ارزش و متناسب» (رنزولی^۱، ۱۹۹۳: ۲۰). به بیان دیگر، خلاقیت به کارگیری توانایی های ذهنی برای ایجاد فکر یا مفهوم جدید است. رابر ویزبرگ^۲ در این زمینه می گوید: «یکی از زیباترین ویژگی های انسان قدرت آفرینندگی و یا خلاقیت اوست و همین واسطه است که انسان می تواند اهداف آرمان گرایانه خود را پدید آورد و توانایی های خود را شکوفا سازد (ویزبرگ، ۱۹۹۲: ۹). آبراهام مازلو^۳ می گوید: «خلاقیت در ابتدا از روان ناهوشیار سرچشمه می گیرد. ایده های جدید است که با آنچه در حال حاضر وجود دارد کاملاً متفاوت است». موجی یلی می گوید: «بارآوری در آنچه مربوط به عقاید، اختراع، تفکر و تعقل است، خلاقیت است». گیلفورد نیز خلاقیت را عبارت از تفکر واگرا در حل مسائل می داند (حسینی، ۱۳۷۸: ۱۶). ویزبرگ معتقد است که آنچه پیش از این تصور می شد، براساس نگرش نبوغ آمیز بنا شده بود و طبق این نگرش خلاقیت به افراد خاصی تعلق داشت. افرادی که توانایی های ذهنی آنان فراتر از مردم عادی به شمار می رفت (فرج اللهی، ۱۳۸۹: ۲). ادوارد دوبونو^۴ در کتاب خلاقیت کارآمد می گوید «هیچ چیز سودمندتر و باشکوه تر از این نیست که ایده ی جدید و ثمربخشی اهداف شما را برآورده سازد» (قاسمی، ۱۳۶۷: ۲۰).

امروزه در کشورهای توسعه یافته شکوفایی خلاقیت دانش آموزان از مهمترین اهداف آموزش و پرورش به شمار می رود. در این کشورها اهمیت پرورش خلاقیت به حدی است که مواد درسی ویژه ای در تمامی مقاطع تحصیلی در نظر گرفته شده است. این برنامه ریزی به علت نقش زیربنایی خلاقیت در توسعه و پیشرفت و غلبه بر تغییر و تحولات اجتناب ناپذیر زندگی است. در دنیای پیچیده کنونی که شاهد رقابت های بسیار فشرده جوامع مختلف برای دستیابی به جدیدترین تکنولوژی ها و منابع قدرت هستیم، افراد تیزهوش، خلاق و صاحبان اندیشه های نو مبتکرانه، از جایگاه بسیار والا و ارزشمندی برخوردار هستند بطوری که بقول توین بی^۵ شانس بدست آوردن خلاقیت بالقوه، می تواند موضوع زندگی و مرگ هر جامعه ای باشد (کفایت، ۱۳۷: ۳). تورنس (به نقل از همتی، ۱۳۸۷: ۱۲) اشاره می کنند که طی ۱۸ سال تجربه مطالعاتی و آموزش تفکرات خلاق، شواهدی را یافته اند که نشان می دهند، خلاقیت را می توان آموزش داد. بر این اساس است که طی سال های اخیر پژوهش و ساخت آزمونهای خلاقیت رونق پیدا کرده است (دائمی و مقیمی، ۱۳۸۳). نوآوری و خلاقیت بعنوان ویژگی شگرف انسانی نه تنها در دوران کودکی و جوانی، بلکه در تمامی طول عمر قابل ظهور است. در محیط های سنتی رویارویی با مسائل، مشکلات و پدیده ها، واکنش های قالبی و راه های تجربه و تأیید شده را می طلبد (آقایی فیشانی، ۱۳۷۷: ۱۵۸). برعکس، برخی جوامع توسعه یافته فضای بسیار مساعدی برای بروز و رشد خلاقیت دارند. هرچند فرض است که خلاقیت به عنوان توانایی ذهنی ابداع و نوآوری از ابتدای زندگی بشر وجود

^۱. Renzulli

^۲. Weisberg

^۳. Abraham Maslow

^۴. De Bono

^۵. Toyenbee

داشته و همواره نیز ارزشمند بوده است لکن توجه به آن در طول تاریخ، بیشتر به عنوان نتیجه طبیعی عملکرد ذهنی افراد باهوش و مستعد تلقی گردیده و تا یک قرن پیش مطالعه اختصاصی در مورد آن صورت نگرفته بود؛ اما خوشبختانه امروزه دانشمندان، متخصصان، کتابها، مجلات، تست ها و ... زیادی وجود دارند که اختصاصا به بحث خلاقیت می پردازند. با وجود این، توجه علمی به بحث خلاقیت عمر چندان طولانی ندارد، در واقع، تاریخچه مطالعات علمی در مورد خلاقیت و عناصر تشکیل دهنده آن به بیش از یک قرن نمی رسد. موضوع خلاقیت ابتداء مورد توجه دانشمندان علوم اجتماعی و روانشناسی قرار گرفته و برای اولین بار دانشمندی بنام گیلفورد^۱ در سال ۱۹۵۰ میلادی تحقیقات علمی خود را در مورد ماهیت، عناصر تشکیل دهنده و کاربرد تفکر خلاق شروع نموده است (طالب زاده، ۱۳۸۵: ۱ و ۲)؛ اما در کشور ما، علیرغم اهمیت این موضوع، به علل گوناگون تاکنون کمتر به پژوهش و مطالعه بنیادی و برنامه ریزی برای پرورش خلاقیت دانش آموزان پرداخته شده است.

مبانی نظری شیوه های پرورش خلاقیت در تحقیق حاضر بیشتر بر پایه نظریات الگوی پرورش خلاقیت رنزولی و نظریه آمابیل است. براساس نظریه آمابیل عوامل اصلی خلاقیت عبارت اند از: انگیزه، مهارتهای مربوط به خلاقیت، مهارتهای مربوط به موضوع. این عوامل اصلی تحت تأثیر عوامل و یا موانعی تقویت، تضعیف و یا نابوده می شوند که مهمترین عوامل و موانع، فردی و محیطی هستند. نظریه آمابیل به طور اجمالی چنین بیان می دارد که علیرغم آنکه این عوامل با هم تعامل دارند و می توانند یکدیگر را تقویت و یا تضعیف کنند و در نهایت باعث شکوفایی یا تضعیف خلاقیت فرد شوند. رنزولی در نظریه خود در خصوص عوامل مؤثر در پرورش و ایجاد خلاقیت از سه عنصر معلم، دانش آموز، برنامه درسی نام می برد. براساس آنچه این نظریه بیان می کند، با ترکیب مناسب این عناصر، یادگیری مؤثر و خلاق حاصل می گردد. هر یک از این عناصر با زیرمجموعه های خود سبب عمل مطلوب یادگیری می شود. زیرمجموعه های عناصر به شرح ذیل است:

برنامه درسی شامل ساختار رشته، محتوا و روششناسی رشته؛

معلم شامل شناخت از رشته، عشق به رشته و روشهای تدریس؛

دانش آموز شامل سبک یادگیری، علائق و توانایی.

با توجه به اهمیت خلاقیت در نظامهای گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و به ویژه آموزش و پرورش و ضرورت شناسایی و تقویت هرچه سریعتر این توانمندی که لازمه هرگونه تحول و حرکت و پویایی است و نقش حیاتی دانش آموزان در آینده کشور و با توجه به اینکه لازمه پرورش افراد خلاق، شناخت راههای پرورش خلاقیت دانش آموزان و چگونگی کاربردی کردن آنها در نظام آموزش و پرورش است، پژوهشگر را بر آن داشت تا با بررسی راهکارهای پرورش خلاقیت در دانش آموزان دوره ابتدایی سعی کند گام های مؤثری را در جهت شکوفایی این استعداد بردارد. هدف اصلی

^۱ - Guilford



پژوهش حاضر بررسی عوامل و شیوه‌های پرورش خلاقیت در بین دانش آموزان مقطع ابتدایی از دیدگاه معلمان شهر تهران است.

روش

پژوهش حاضر با توجه به هدف از نوع مطالعات بنیادی و تکنیک مورد استفاده، پیمایش است و جامعه آماری شامل ۲۵۰ نفر از آموزگاران شاغل در دو منطقه آموزش و پرورش شهر تهران در سال تحصیلی ۹۲-۹۳ است. پرسشنامه عوامل موثر در پرورش خلاقیت دانش آموزان (میرکمالی و خورشیدی (۱۳۸۸): این پرسشنامه برای اولین بار در سال ۱۳۸۸ توسط میرکمالی و خورشیدی با هدف بررسی عوامل موثر در پرورش خلاقیت دانش آموزان دوره ابتدایی استان گیلان ساخته و اعتبار و روایی آن مورد تایید قرار گرفت. پرسشنامه مورد نظر ۹۵ سوالی بوده که ۹ عامل آموزش خلاقیت و محتوی، فرهنگ و روابط اجتماعی، معلم، محیط آموزشی، پشتکار دانش آموز، حاکمیت روابط انسانی علاقمندی دانش آموز، خانواده و روش های تدریس را مورد نظر قرار داده است. بر اساس پژوهش میرکمالی و خورشیدی (۱۳۸۸)، اعتبار پرسشنامه به وسیله آلفای کرونباخ ۰/۹۴ می باشد و همچنین روایی ابزاری نیز با استفاده از تحلیل عاملی مورد تایید قرار گرفته و در حد مطلوبی است. روش نمونه گیری در این پژوهش، تصادفی خوشه ای چند مرحله ای بود. به این صورت که از بین مناطق شمال، غرب، شرق، جنوب و مرکز تهران به صورت تصادفی ۲ منطقه از بین مناطق شمال و جنوب به صورت تصادفی انتخاب شد (منطقه ۳ و ۱۸).

یافته های پژوهش

سوال اول پژوهش: از دیدگاه معلمان، آموزش خلاقیت و محتوا تا چه اندازه در پرورش خلاقیت دانش آموزان نقش دارد؟ برای پاسخ به این سوال از آزمون تک نمونه ای کالموگروف-اسمیرنوف استفاده شد همان گونه که از جدول ۱ قابل مشاهده است، مقدار آزمون کالموگروف-اسمیرنوف ۱/۹۵ می باشد؛ که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است؛ بنابراین می توان گفت آموزش خلاقیت و محتوا به عنوان یکی از عوامل در پرورش خلاقیت دانش آموزان نقش دارد.



جدول ۱: نتیجه آزمون تک نمونه ای کالموگروف - اسمیرنف در زمینه عامل آموزش خلاقیت و محتوا		
۲۵۰	فراوانی	
۹۹/۶۲	میانگین	پارامترهای نرمال
۱۹/۳۲	انحراف استاندارد	
۰/۱۰۴	Absolute	تفاوت ها
۰/۱۰۴	Positive	
-۰/۰۶۷	Negative	
۱/۹۵	کالموگروف اسمیرنف Z	
۰/۰۰۱	سطح معناداری	

سوال دوم پژوهش: از دیدگاه معلمان، فرهنگ و روابط اجتماعی تا چه اندازه در پرورش خلاقیت دانش آموزان نقش دارد؟ همان گونه که از جدول ۲ قابل مشاهده است، مقدار آزمون کالموگروف-اسمیرنف ۲/۵۰ می باشد که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است؛ بنابراین می توان گفت فرهنگ و روابط اجتماعی به عنوان یکی از عوامل در پرورش خلاقیت دانش آموزان نقش دارد.

جدول ۲: نتیجه آزمون تک نمونه ای کالموگروف - اسمیرنف در زمینه عامل فرهنگ و روابط اجتماعی		
۲۵۰	فراوانی	
۵۷/۳۵	میانگین	پارامترهای نرمال
۱۹/۵۳	انحراف استاندارد	
۰/۱۳۳	Absolute	تفاوت ها
۰/۱۳۳	Positive	
۰/۰۷۸	Negative	
۲/۵۰	کالموگروف اسمیرنف Z	
۰/۰۰۱	سطح معناداری	



سوال سوم پژوهش: از دیدگاه معلمان، معلم تا چه اندازه در پرورش خلاقیت دانش آموزان نقش دارد؟ همان گونه که جدول ۳ نشان می دهد، مقدار آزمون کالموگروف-اسمیرنف ۲/۲۷ می باشد؛ که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است؛ بنابراین می توان گفت معلم به عنوان یکی از عوامل در پرورش خلاقیت دانش آموزان نقش دارد.

جدول ۳: نتیجه آزمون تک نمونه ای کالموگروف-اسمیرنف در زمینه عامل نقش معلم			
		۲۵۰	فراوانی
۷۱/۵۴			میانگین
۲۲/۶۵			انحراف استاندارد
۰/۱۲۱			Absolute
۰/۱۲۱			Positive
-۰/۰۶۲			Negative
	۲/۲۷	کالموگروف اسمیرنف Z	
	۰/۰۰۱	سطح معناداری	

سوال چهارم پژوهش: از دیدگاه معلمان، محیط آموزشی تا چه اندازه در پرورش خلاقیت دانش آموزان نقش دارد؟ جدول ۴ بیانگر آن است که مقدار آزمون کالموگروف-اسمیرنف ۱/۳۴ می باشد؛ که در سطح ۰/۰۵ معنادار است؛ بنابراین می توان گفت محیط آموزشی به عنوان یکی از عوامل در پرورش خلاقیت دانش آموزان نقش دارد.

جدول ۴: نتیجه آزمون تک نمونه ای کالموگروف-اسمیرنف در زمینه عامل محیط آموزشی			
		۲۵۰	فراوانی
۵۶/۷۸			میانگین
۱۹/۵۷			انحراف استاندارد
۰/۰۷۱			Absolute



۰/۰۷۱		Positive
-۰/۰۷۱		Negative
	۱/۳۴	کالموگروف اسمیرنف Z
	۰/۰۵	سطح معناداری

سوال پنجم پژوهش: از دیدگاه معلمان، پشتکار دانش آموز تا چه اندازه در پرورش خلاقیت دانش آموزان نقش دارد؟ همان گونه که از جدول ۵ قابل مشاهده است، مقدار آزمون کالموگروف-اسمیرنف ۲/۴۲ می باشد؛ که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است؛ بنابراین می توان گفت پشتکار به عنوان یکی از عوامل در پرورش خلاقیت دانش آموزان نقش دارد.

جدول ۵: نتیجه آزمون تک نمونه ای کالموگروف-اسمیرنف در زمینه عامل پشتکار دانش آموزان		
	۲۵۰	فراوانی
۵۳/۰۷		میانگین
۱۵/۲۹		انحراف استاندارد
۰/۱۲۹		Absolute
۰/۱۲۹		Positive
-۰/۰۸۶		Negative
	۲/۴۲	کالموگروف اسمیرنف Z
	۰/۰۰۱	سطح معناداری

سوال ششم پژوهش: از دیدگاه معلمان، حاکمیت روابط انسانی تا چه اندازه در پرورش خلاقیت دانش آموزان نقش دارد؟ جدول ۶ نشان می دهد، مقدار آزمون کالموگروف-اسمیرنف ۲/۳۹ می باشد؛ که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است؛ بنابراین می توان گفت حاکمیت روابط انسانی به عنوان یکی از عوامل در پرورش خلاقیت دانش آموزان نقش دارد.



جدول ۶: نتیجه آزمون تک نمونه ای کالموگروف - اسمیرنف در زمینه عامل حاکمیت انسانی			
	۲۵۰	فراوانی	
۴۲/۷۱		میانگین	پارامترهای نرمال
۱۴/۰۷		انحراف استاندارد	
۰/۱۲۸		Absolute	تفاوت ها
۰/۱۲۸		Positive	
-۰/۱۰۷		Negative	
	۲/۳۹	کالموگروف اسمیرنف Z	
	۰/۰۰۱	سطح معناداری	

سوال هفتم پژوهش: از دیدگاه معلمان، علاقمندی دانش آموز تا چه اندازه در پرورش خلاقیت دانش آموزان نقش دارد؟ جدول ۷ بیانگر آن است که مقدار آزمون کالموگروف-اسمیرنف ۲/۶۲ می باشد؛ که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است؛ بنابراین می توان گفت علاقه مندی دانش آموزان به عنوان یکی از عوامل در پرورش خلاقیت دانش آموزان نقش دارد.

جدول ۷: نتیجه آزمون تک نمونه ای کالموگروف - اسمیرنف در زمینه عامل علاقه مندی دانش آموزان			
	۲۵۰	فراوانی	
۲۸/۴۰		میانگین	پارامترهای نرمال
۱۱/۰۷		انحراف استاندارد	
۰/۱۴۰		Absolute	تفاوت ها
۰/۱۴۰		Positive	
-۰/۰۸۶		Negative	



	۲/۶۲	کالموگروف اسمیرنف Z
	۰/۰۰۱	سطح معناداری

سوال هشتم پژوهش: از دیدگاه معلمان، خانواده تا چه اندازه در پرورش خلاقیت دانش آموزان نقش دارد؟ همانطور که از جدول ۸ قابل مشاهده است، مقدار آزمون کالموگروف-اسمیرنف ۱/۵۵ می باشد؛ که در سطح ۰/۰۱ معنادار است؛ بنابراین می توان گفت خانواده به عنوان یکی از عوامل در پرورش خلاقیت دانش آموزان نقش دارد.

جدول ۸: نتیجه آزمون تک نمونه ای کالموگروف-اسمیرنف در زمینه عامل خانواده			
	۲۵۰	فراوانی	
۲۱/۲۱		میانگین	پارامترهای نرمال
۵/۵۶۳		انحراف استاندارد	
۰/۰۸۲		Absolute	تفاوت ها
۰/۰۸۲		Positive	
-۰/۰۵۸		Negative	
	۱/۵۵	کالموگروف اسمیرنف Z	
	۰/۰۱	سطح معناداری	

سوال نهم پژوهش از دیدگاه معلمان: روش های تدریس تا چه اندازه در پرورش خلاقیت دانش آموزان نقش دارد؟ همانطور که از جدول ۹ قابل مشاهده است، مقدار آزمون کالموگروف-اسمیرنف ۳/۱۷ می باشد؛ که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است؛ بنابراین می توان گفت روش های تدریس به عنوان یکی از عوامل در پرورش خلاقیت دانش آموزان نقش دارد.



جدول ۹: نتیجه آزمون تک نمونه ای کالموگروف - اسمیرنف در زمینه عامل روش های تدریس			
	۲۵۰	فراوانی	
۲۴/۵۵		میانگین	پارامترهای نرمال
۹/۹۷		انحراف استاندارد	
۰/۱۶۹		Absolute	تفاوت ها
۰/۱۶۹		Positive	
-۰/۱۱۲		Negative	
	۳/۱۷	کالموگروف اسمیرنف Z	
	۰/۰۰۱	سطح معناداری	

بحث و تفسیر یافته های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و تجربی پژوهش حاضر و با در نظر گرفتن جواب سوال اول تا هشتم پژوهش که در آن کلیه عوامل پیشنهادی ارائه شده با آزمون کالموگروف اسمیرنف معنادار بودند، می توان گفت عوامل موثر در پرورش خلاقیت دانش آموزان ابتدایی عبارتند از نه عامل آموزش خلاقیت و محتوا، فرهنگ و روابط اجتماعی، معلم، محیط آموزشی، پشتکار دانش آموز، حاکمیت روابط انسانی، علاقه مندی دانش آموز، خانواده و روش های تدریس، همه این عوامل در سطح ۰/۰۱ معنادار بودند یعنی این عوامل از عوامل اثر گذار در پرورش خلاقیت دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر تهران از نظر معلمان قلمداد می شوند. این نتایج با نتایج پژوهش های میرکمالی و خورشیدی (۱۳۸۸)، دین، ساموئل و لیموزی (۲۰۰۵)، تورنس، (۱۹۸۹)، گتزل و جکسون (۲۰۰۱)، روان (۲۰۰۵)، هماهنگ و هم جهت است. درباره این یافته می توان گفت آموزش خلاقیت می تواند باعث افزایش خلاقیت در دانش آموزان شود و از طرفی، داشتن فرهنگ و روابط اجتماعی مناسب و کامل می تواند باعث ایجاد خلاقیت و احتمال افزایش آن شود. ویژگی های معلم، محیط آموزشی مناسب و مطلوب برای رشد همه جانبه استعدادها و دانش آموزان، داشتن پشتکار دانش آموز، وجود حاکمیت روابط انسانی، علاقه مندی دانش آموز به پیشرفت و وجود شرایط خانوادگی مناسب و روش های مناسب تدریس از مهمترین روشهای ارتقاء خلاقیت در دانش آموزان است. بر همین اساس می توان گفت اثرات منفی آموزش تحمیلی بسته و یکنواخت در مدارس در حدی است که استعدادها و قدرت ها را از بین می برد. نقش مدرسه به هیچ وجه این نیست که



نوارهای ضبط صورت تولید کند، بلکه بزرگترین وظیفه آن پرورش و توسعه قدرت تفکر، خلاقیت و مهارتهای یادگیری در انسان است؛ بنابراین مهارت های تفکر خلاق باید به عنوان مهم ترین مهارتهای سازگاری و قابلیت انطباق شناخته شود. چنین مهارت هایی باید برای مواد درسی مدارس، خانواده ها، صنعت و سایر موسسات، اساسی و ضروری تلقی گردد (تورنس، ۱۹۷۹). کلیات رئوس برنامه های آموزشی و مفاد درسی در نظام آموزشی کشورمان تقریباً به صورتی تنظیم شده است که عمدتاً از قبل همه پاسخ ها و روش های حل مسائل مشخص بوده و نقش معلم و دانش آموز نیز بر اساس الگوهای معین تدریس و آموزش تعیین شده است بنابراین فرصت بروز خلاقیت برای دانش آموزان و معلمین یا وجود ندارد و یا اعتنای کافی به آن نمی شود. حتی ممکن است در برخی شرایط، بروز پاسخ ها و عملکردهای خلاقانه دانش آموزان توسط معلمین، والدین و اولیاء مدارس سرکوب نیز بشود. در نظام آموزشی ما که نهایتاً دانش آموزان با نمره عددی مورد ارزیابی قرار گرفته، آزمون و امتحان اساس ارزیابی پیشرفت تحصیلی محسوب می شود رشد خلاقیت چندان جدی گرفته نمی شود در حالیکه اصولاً می بایست آموزش بر اساس رشد خلاقیت جایگزین آن باشد. تجاربی که ما در سالهای اولیه در اختیار کودکان خود قرار می دهیم در رشد آتی آنان تاثیرات بسیار حیاتی دارد. هر قدر این تجارب غنی تر باشند کودکان فرصت های بیشتری برای رشد و آمادگی برای درک آن چیزهایی پیدا می کنند که در زمان حال و آینده به آن نیاز دارند (دافی، برنات، ۱۳۸۰) بسیاری از مربیان تعلیم و تربیت خود به خود از طیف گسترده کاربردهای مفید الگوهای تفکر و اگر ۱ و خلاقیت را ایجاد کنند آگاهی ندارند همانطوریکه گوردون عقیده دارد خلاقیت را می توان با یک سری تمرین های گروهی افزایش داد. نوآوری معمولاً با ترس و نگرانی دنبال می شود و در واقع والدین می خواهند کودکانشان همان راه آموزشی را بروند که خودشان طی کرده اند بنابراین اغلب مردم در خصوص نوآوری آموزشی محتاط هستند. مردم هر قدر هم از مدارس قدیمی انتقاد نمایند. در عین حال به علت آشنایی آن را انتخاب می نمایند. نوآوریها در مدارس گاهی به عنوان پائین آمدن استانداردها تعبیر می شود. فرض است کودکان ذاتاً خلاق به دنیا می آیند و شرط ظهور استعدادهاى خلاقانه نیز وجود شرایط مناسب محیطی در خانه، مدرسه و ... است کودکان تخیلات، ایده ها و افکار خود را با به کار گرفتن روشهای گوناگون و خاص خود تعیین می کنند آنها نقاشی می کنند، داستان می نویسند، نقش بازی می کنند، کاردستی درست می کنند، خمیربازی می کنند، چيستان درست می کنند، موسیقی می نوازند، مسئله می سازند و ... برای همه این کارها، کودکان نیاز به ایده ها و اطلاعات خاص دارند تا با ترکیب کردن آنها بتوانند قوه ابتکار و نوآوریهایشان را نمایش دهند. کتاب، بازیها، اسباب بازیها، تجارب غنی محیطی و بسته های آموزشی و ... ابزارهای مورد نیاز، برای ظهور خلاقیت کودکان است. نقش خانواده به عنوان مهم ترین رکن جامعه که شالوده اساسی شخصیت کودکان را می سازد بس مهم است عدم اطلاع از شیوه های درست تربیتی، مهم ترین مشکل خانواده ها است. والدین معمولاً از نتایج برآوردهای خود با فرزندانشان بازخوردی دریافت نمی کنند و یا نمی دانند در

^۱ - Divergent thinking



هر سنی چه انتظاری باید از آنان داشته باشند والدین معمولاً روشهای سنتی تربیتی گذشته را ادامه داده و کمتر به فکر اصلاح هستند. فرض بر این است اگر آنان متوجه اثرات قابل توجه فرزند پروری خود شوند قطعاً در بکارگیری روشهای مناسبتر جدیت و دقت به خرج خواهند داد (کفایت، ۱۳۷۳). به هر حال نوع و برخورد و توجه والدین با مقوله خلاقیت که آن را در کودکان تقویت و یا تضعیف نمایند بسیار مهم خواهد بود.

نتیجه گیری

از مقادیر آزمون تک نمونه ای کالموگروف-اسمیرنف می توان نتیجه گرفت آموزش خلاقیت و محتوا، فرهنگ و روابط اجتماعی، معلم، محیط آموزشی، پشتکار، حاکمیت روابط انسانی، علاقمندی دانش آموز، خانواده، روش های تدریس به عنوان یکی از عوامل در پرورش خلاقیت دانش آموزان نقش دارد. همه این عوامل در سطح ۰/۰۱ معنادار بودند یعنی این عوامل از عوامل اثر گذار در پرورش خلاقیت دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر تهران از نظر معلمان قلمداد می شوند.

بر اساس این یافته ها می توان گفت ویژگی های معلم، محیط آموزشی مناسب و مطلوب برای رشد همه جانبه استعداد های دانش آموزان، داشتن پشتکار دانش آموز، وجود حاکمیت روابط انسانی، علاقمندی دانش آموز به پیشرفت و وجود شرایط خانوادگی مناسب و روش های مناسب تدریس از مهمترین روشهای ارتقاء خلاقیت در دانش آموزان است. بر همین اساس می توان گفت اثرات منفی آموزش تحمیلی بسته و یکنواخت در مدارس در حدی است که استعدادها و قدرت ها را از بین می برد. نقش مدرسه پرورش و توسعه قدرت تفکر، خلاقیت و مهارتهای یادگیری در انسان است. کلیات رئوس برنامه های آموزشی و مفاد درسی در نظام آموزشی کشورمان تقریباً به صورتی تنظیم شده است که عمدتاً از قبل همه پاسخ ها و روش های حل مسائل مشخص بوده و نقش معلم و دانش آموز نیز بر اساس الگوهای معین تدریس و آموزش تعیین شده است بنابراین فرصت بروز خلاقیت برای دانش آموزان و معلمان یا وجود ندارد و یا اعتنای کافی به آن نمی شود (نوری، ۱۳۹۲). تجاربی که ما در سالهای اولیه در اختیار کودکان خود قرار می دهیم در رشد آتی آنان تاثیرات بسیار حیاتی دارد. هر قدر این تجارب غنی تر باشند کودکان فرصت های بیشتری برای رشد و آمادگی برای درک آن چیزهایی پیدا می کنند که در زمان حال و آینده به آن نیاز دارند (دافی، برنات، ۱۳۸۰) بسیاری از مربیان تعلیم و تربیت خود به خود از طیف گسترده کاربردهای مفید الگوهائی که تفکر و اگر^۱ و خلاقیت را ایجاد کنند آگاهی ندارند. نوآوری معمولاً با ترس و نگرانی دنبال می شود و در واقع والدین می خواهند کودکانشان همان راه آموزشی را بروند که خودشان طی کرده اند بنابراین اغلب مردم در خصوص نوآوری آموزشی محتاط هستند. فرض است کودکان ذاتاً خلاق به دنیا می آیند و شرط ظهور استعداد های خلاقانه نیز وجود شرایط مناسب محیطی در خانه، مدرسه و ... است

^۱ - Divergent thinking



کودکان تخیلات، ایده ها و افکار خود را با به کار گرفتن روشهای گوناگون و خاص خود تعیین می کنند آنها نقاشی می کنند، داستان می نویسند، نقش بازی می کنند، کاردستی درست می کنند، خمیربازی می کنند، چپستان درست می کنند، موسیقی می نوازند، مسئله می سازند و ... برای همه این کارها، کودکان نیاز به ایده ها و اطلاعات خاص دارند تا با ترکیب کردن آنها بتوانند قوه ابتکار و نوآورییشان را نمایش دهند. نقش خانواده به عنوان مهم ترین رکن جامعه که شالوده اساسی شخصیت کودکان را می سازد بس مهم است. عدم اطلاع از شیوه های درست تربیتی، مهم ترین مشکل خانواده ها است. والدین معمولاً از نتایج برخوردهای خود با فرزندانشان بازخوردی دریافت نمی کنند و یا نمی دانند در هر سنی چه انتظاری باید از آنان داشته باشند. فرض بر این است اگر آنان متوجه اثرات قابل توجه فرزند پروری خود شوند قطعاً در بکارگیری روشهای مناسبتر جدیت و دقت به خرج خواهند داد (کفایت، ۱۳۷۳).

پیشنهادهای

برنامه ریزان درسی آموزش کشور با توجه به نتایج پژوهش حاضر اقداماتی را در جهت پرورش خلاقیت، بارورسازی و اعتلای اندیشه و افکار دانش آموزان به عمل آوردند. مجمع دانش آموزان مبتکر و خلاق، جهت شکوفایی خلاقیت و نهادینه ساختن آن در دانش آموزان، تأسیس شود و بتوانند حیطه فعالیت اعضای خود را گسترش دهد. مناسب خواهد بود که این مجمع در تمامی استان ها و شهرها راه اندازی شود و مجمع های استانی و شهرستانی از طریق بولتن های خبری و نشریات اطلاع رسانی داخلی دست آوردهای خود را به یکدیگر منتقل نمایند. تدوین و اجرای سیاستهای انگیزشی و تشویقی برای معلمان، آموزش نیروی انسانی توسط اساتید مجرب در قالب کارگاههای علمی و عملی جهت ارتقای سطح علمی معلمان، تشویق معلمان به آزمایش کردن و به کار بستن روش های تازه و تشخیص ارزش کار و تشویق افرادی که به آزمایش روشهای نوین مبادرت می ورزند.

منابع

- آقایی فیشایی، تیمور (۱۳۷۷). خلاقیت و نوآوری در انسانها و سازمانها، انتشارات ترمه، چاپ اول.
 حسینی، افضل السادات (۱۳۷۸). ماهیت خلاقیت و شیوه های پرورش آن، مشهد: آستان قدس رضوی.
 دافی، برنات (۱۳۸۰). تشویق خلاقیت و تخیل در کودکان، ترجمه مهشید یاسائی، انتشارات ققنوس دائمی.
 دائمی، حمیدرضا مقیمی، سیده فاطمه (۱۳۸۳). هنجاریابی آزمون خلاقیت تورنس.
 شریعتمداری، علی (۱۳۸۲). نقد و خلاقیت در تفکر، چاپ دوم. تهران: دانش و اندیشه معاصر.



فرج اللهی، مهران. موسوی، محمد، تاجی، پروانه (۱۳۸۹). شناسایی عوامل موثر در پرورش خلاقیت دانش آموزان مقطع راهنمایی از دیدگاه دبیران، مدیران و کارشناسان آموزش اداره منطقه شش آموزش و پرورش استان تهران. تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال اول، شماره دوم، صص ۸۳-۱۰۰

طالب زاده، عباس، (۱۳۸۵). خلاقیت و نوآوری در افراد و سازمان ها، ماهنامه علمی- آموزشی تدبیر، سال پانزدهم، شماره ۱۵۲.

قاسمی، محمد (۱۳۷۶). روانشناسی خلاقیت. تهران مرکز نشر سپهر

کفایت، محمد (۱۳۷۳). بررسی ارتباط شیوه ها و نگرشهای فرزند پروری با خلاقیت دانش آموزان، سال اول دبیرستانهای اهواز، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز.

لامزدین، ادوارد و لامزدین، مونیک (۱۳۸۶). حل خلاق مسئله، ترجمه ی بهروز ارباب شیرانی و بهروز نصر آزادانی. تهران: ارکان دانش.

نوری سیدی کرودی، سمیه (۱۳۹۲). بررسی شیوه های پرورش خلاقیت در بین دانش آموزان مقطع ابتدایی از دیدگاه معلمان. تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب.

همتی، امیر (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی موانع شخصی خلاقیت از دیدگاه دبیران مرد و زن ناحیه ۲ شهر ارومیه، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.

Renzulli, Joseph, S. (۱۹۹۹). News Around theWorld Gifted, Education International Vol. ۱۰.

Torrance.E.P.(۱۹۷۳).Norms _technical manual Torrance teste of creative thinking.

Weisberg, R.W. (۱۹۹۳). Creativity Temple University, New York:W-H. Freeman. & company.

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله